**احادیثی درباره وحدت**

**سخنان اهل بیت علیهم السلام در تشویق به وحدت و نهی از تفرقه و اختلاف**

مذمت اختلاف و دو دستگی:

امام علی (ع): . . وَ إلاههم وَاحِدٍ وَ نبیهم وَاحِدٍ وَ کتابهم وَاحِدُ أَ فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بالإختلاف فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ؟ (نهج البلاغه، خطبه 18)

خدا یکی، پیامبر یکی، و کتاب یکی است. آیا آنها را خداوند به اختلاف و دو دستگی فرمان داده و او را اطاعت می کنند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده و فرمانش را سرپیچی می کنند؟

پیوندهای اجتماعی:

امام علی (ع) در وصیت به حسنین (ع): . .. وَ علیکم بِالتَّوَاصُلِ وَ التَّبَاذُلِ وَ ایاکم وَ التَّدَابُرَ وَ التَّقَاطُعَ (نهج البلاغه، نامه 47)

.. و بر شما باد به ارتباط و بذل و بخشش و دوری گزیدن از جدائی و پشت کردن به یکدیگر.

انس و الفت:

امام باقر (ع): . . یا مَعْشَرَ المؤمنین تَأَلَّفُوا وَ تَعَاطَفُوا (الکافی، جلد 2، ص 345)

هان ای گروه مؤمنان، مأنوس و متحد باشید و به هم مهربانی کنید.

ایجاد وحدت:

امام علی (ع): صَلَاحُ ذَاتِ البین أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَ الصیام (نهج البلاغه، وصیت 47)

اصلاح اختلاف ها، از تمامی نمازها و روزه ها برتر است.

آشتی دادن:

امام صادق (ع): صَدَقَةُ یحبها اللَّهِ اصلاح بین النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبُ بینهم إِذَا تَبَاعَدُوا (الکافی، جلد 2، ص 209)

ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف، و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدائی، صدقه ایست که خداوند آن را دوست دارد.

فرمان وحدت:

پیامبر اکرم (ص): إسمعوا وَ أطیعوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهِ الْأَمْرِ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ (امالی مفید، جلد 1 ص 14)

از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش به فرمان باشید زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت امت اسلام» است.

رهبری و وحدت:

امام علی (ع): وَ مکان القیم بالامر مکان النِّظَامِ مِنَ الْخَرَزِ یجمعه وَ یضمه فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرَزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ یجتمع بحذافیره أَبَداً (نهج البلاغه، خطبه 146)

جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را بهم پیوند داده و جمع می کند، و آنگاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد.

عوامل وحدت:

نبی اکرم (ص): ألمؤمنون إِخْوَةً تتکافؤ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ ید علی مَنْ سِوَاهُمْ (کافی، جلد 1، ص 404)

مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه اند.

برادری اسلامی:

پیامبر اکرم (ص): ألمسلمون إِخْوَةً لا فَضْلُ لِأَحَدٍ علی أَحَدُ إِلَّا بالتقوی (کنز العمال، جلد 1، ص 149؛ نهج الفصاحه، حدیث 12)

مسلمانان با هم برادرند و هیچکس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوی.

پیوند روحی:

امام باقر (ع): إِنَّ اللَّهَ عزو جَلَّ خَلَقَ المؤمنین مِنْ طینة الْجِنَانِ وَ أجری فیهم مِنْ ریح رُوحَهُ فلذلک الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لأبیه وَ أُمِّهِ فَإِذَا أَصَابَ رُوحاً مِنْ تلک الْأَرْوَاحِ فی بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ حُزْنُ، حَزِنَتْ هَذِهِ لِأَنَّهَا مِنْهَا (الکافی، جلد 2، ص 6)

خداوند، مؤمنان را از خاک بهشت آفرید و از روح خود در آنان دمید، از این رو مؤمن با مؤمن، برادر پدر و مادری است پس هرگاه که به یکی از آنان در دیاری اندوهی برسد، دیگری هم در غم او اندوهگین می شود.

بنی آدم اعضای یکدیگرند:

امام صادق (ع): إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةُ بَنُو أَبٍ وَ أُمٍّ وَ إِذَا ضَرَبَ علی رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقُ سَهِرَ لَهُ الاخرون (الکافی، جلد 2، ص 5)

مؤمنان، با یکدیگر برادرند، و همگی فرزندان یک پدر و مادر و چون رگ یکی از آنان زده شود «مصیبتی بر او وارد شود» دیگران در غم او خوابشان نبرد.

برادری، فرمان خدا:

امام صادق (ع): تَوَاصَلُوا وَ تَبَارُّوا وَ تَرَاحَمُوا وَ کونوا إِخْوَةً أَبْرَاراً کما أمرکم اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وسایل الشیعه، جلد 8، ص 552، حدیث 3)

همان گونه که خدای عزوجل به شما دستور داده، با هم پیوند داشته باشید، به یکدیگر نیکی کنید، و برادرانی نیکوکار باشید.

همدردی:

امام باقر (ع): ألمؤمنون فی تَبَارِّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ کمثل الْجَسَدَ، إِذَا اشتکی تداعی لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهَرِ وَ الحمی (بحار الانوار، جلد 71، ص 4)

مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی به یکدیگر مانند یک پیکرند که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد تمام اعضاء در تب و بیخوابی گرفتار آیند.

تعاون و همکاری:

پیامبر اکرم (ص): أَلِمُؤْمِنٍ لِلْمُؤْمِنِ کالبنیان الْمَرْصُوصِ یشد بَعْضُهُ بَعْضاً (صحیح مسلم، جلد 4، ص 1999؛ نهج الفصاحه، حدیث 3103)

مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می بخشند.

بهترین مومنین:

پیامبر اکرم (ص):  خیر المؤمنین مَنْ کان مَأْلَفَةً للمؤمنین وَ لَا خیر فیمن لایألف وَ لایؤلف (بحار الانوار، جلد 71، ص 393)

بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.

مدد الهی در سایه وحدت:

پیامبر اکرم (ص): ید اللَّهِ علی الْجَمَاعَةِ . . . (نهج الفصاحه، 11)

دست خدا بر سر جماعت است.

وحدت و هماهنگی در حرکتهای نظامی:

امام علی (ع): . . . ایاکم وَ التَّفَرُّقَ فَإِذَا نَزَلْتُمْ فَانْزِلُوا جمیعا وَ إِذَا ارْتَحَلْتُمْ فَارْتَحِلُوا جمیعا (نهج البلاغه، وصیت 11)

از تفرقه و جدایی بپرهیزید، سپس هرگاه در جائی فرود آمدید، همگی فرود آئید و هرگاه کوچ کردید، با هم کوچ کنید.

آثار وحدت:

امام علی (ع): . . . فَانْظُرُوا کیف کانوا حیث کانت الاملاء مُجْتَمِعَةً وَ الاهواء مُؤْتَلِفَةً وَ الْقُلُوبُ مُعْتَدِلَةً وَ الایدی مُتَرَادِفَةً ، وَ السیوف مُتَنَاصِرَةً وَ الْبَصَائِرُ نَافِذَةً وَ الْعَزَائِمُ وَاحِدَةً أَلَمَ یکونوا أَرْباباً فی أَقْطَارِ الأرضین وَ ملوکا علی رِقَابٍ العالمین (نهج البلاغه، خطبه 192)

پس بنگرید، چگونه بودند «قوم بنی اسرائیل» زمانی که جمعیتها گرد آمده، و اندیشه ها با هم و دلها یکسان و دستها یاور هم و شمشیرها کمک یکدیگر و بینش ها ژرف و تصمیمات یکی بود، آیا در اطراف زمین «شهرها»، بزرگ و بر همه جهانیان حاکم نبودند؟

ذلت، سرانجام اختلاف:

امام علی (ع): . . . فَانْظُرُوا إلی مَا صَارُوا الیه فی أَخَّرَ أُمُورِهِمْ حین وَقَعَتِ الْفُرْقَةُ وَ تَشَتُّتَ الْأُلْفَةُ وَ اخْتَلَفَتِ الکلمة وَ الْأَفْئِدَةُ وَ تَشَعَّبُوا مختلفین وَ تَفَرَّقُوا متحاربین قَدْ خَلَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ لِبَاسَ کرامته وَ سَلَبَهُمْ غَضَارَةَ نِعْمَتِهِ وَ بقی قَصَصُ أَخْبَارِهِمْ فیکم عَبَراً للمعتبرین (نهج البلاغه، خطبه 2)

پس بنگرید به آخر کارشان «قوم بنی اسرائیل» آن هنگام که بین آنها تفرقه افتاد، و مهربانی و الفت ها بهم خورد و سخنها و دلها مختلف و گروه گروه شدند و به جان هم افتادند و پراکنده گشتند و با هم جنگیدند، پس خداوند، لباس عزت را از تن آنها برکند و فراوانی نعمتش را از آنها گرفت و آنچه باقی مانده، سرگذشت آنان است تا مایه عبرت، عبرت گیرندگان باشد.

اختلاف، عذاب الهی:

پیامبر اکرم (ص): أَلجَمَاعَةٍ رَحْمَةُ وَ الفرقه عَذابٍ (نهج الفصاحه، حدیث 23)

جماعت «وحدت»، مایه رحمت و تفرقه، موجب عذاب است.

 اختلاف، موجب هلاکت:

پیامبر اکرم (ص): لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ کان قبلکم اخْتَلَفُوا فهلکوا (کنز العمال، حدیث 894)

اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.

اختلاف، گسستن از اسلام:

پیامبر اکرم (ص): مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةِ شِبْراً خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ (کافی، جلد 1، ص 404 نهج الفصاحه، 69)

هر کس یک وجب از جامعه «مسلمین» دور شود، خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند.

اختلاف، اندوه بزرگ علی (ع):

امام علی (ع): . . . فیا عَجَباً! وَ اللَّهُ یمیت الْقَلْبِ وَ یجلب الْهَمَّ مِنِ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ علی بَاطِلِهِمْ وَ تفرقکم عَنْ حقکم (نهج البلاغه، خطبه 27)

شگفتا و عجبا! بخدا سوگند، وحدت اینان در راه باطل خود، و پراکندگی شما از راه حق، مایه دلمردگی و فزونی غم و اندوه است.

جامعه، یک خانواده بزرگ:

امام سجاد (ع) به زهری: . . . یا زهری، أَمَّا علیک أَنْ تَجْعَلَ المسلمین منک بِمَنْزِلَةِ أَهْلِ بیتک، فَتَجْعَلَ کبیرهم بِمَنْزِلَةِ والدک، وَ تَجْعَلُ صغیرهم بِمَنْزِلَةِ ولدک، وَ تَجْعَلُ تربک مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ أخیک (بحار الانوار، جلد 68، 230؛ بلاغة الامام علی بن الحسین (ع)، ص 55، باب الخطب)

ای زهری، چه می شود که مسلمانان را مانند اهل خانه خود بدانی، بزرگ آنان را بمنزله پدر خود و کوچکشان را بمنزله فرزند و همسال خود را بمنزله برادرت قرار دهی.

مرگ جاهلی:

پیامبر اکرم (ص): مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةِ مَاتَ میتة جاهلیة (نهج الفصاحة، 55)

هر کس از گروه «مسلمانان» جدا شود بر مرگ جاهلیت بمیرد.

تکرو، شکار شیطان:

امام علی (ع): . . . فَإِنْ ید اللَّهِ علی الْجَمَاعَةِ وَ ایاکم وَ الْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ للشیطان، کما أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ (شرح نهج البلاغه، جلد 8، ص 112)

دست خدا بر سر جماعت است، از تفرقه بپرهیزید، زیرا شخص تکرو، شکار شیطان است همانگونه که گوسفند تکرو، طعمه گرگ است.

جزای جدایی:

امام صادق (ع): مَنْ فَارَقَ جَمَاعَة المسلمین وَ نکث صَفْقَةً الامام جَاءَ إلی اللَّهِ أَجْذَمُ (کافی، جلد 1، ص 405)

هر کس از جماعت مسلمین جدا شود و عهد و پیمان خود را با رهبر بشکند، دست بریده محشور خواهد شد.

سبب اختلاف:

امام علی (ع): لَوْ سکت الْجَاهِلِ مَا اخْتَلَفَ النَّاسِ (بحار الانوار، ج 75، ص 81)

اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند [سبب بسیاری از اختلافات، سخنهای ناآگاهانه است].

پیامدهای اختلاف:

پیامبر اکرم (ص): مَا اخْتَلَفَ أَمَةً بَعْدَ نبیها الَّا ظَهَرَ أَهْلِ بَاطِلِهَا علی أَهْلِ حَقَّهَا (کنز العمال، حدیث 9)

هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آنکه گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.

دین زدائی:

پیامبر اکرم (ص): أَلَا إِنَّ فی التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةُ لَا أعنی حَالِقَةَ الشَّعْرِ وَ لکن حَالِقَةَ الدین (کافی، جلد 2، ص 6)

آگاه باشید که در دشمنی ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.

**منبع:** چهل حدیث وحدت، محمد حسین فلاح زاده، نقل از سایت حوزه